

کار از دیدگاه حضرت علی (ع)

اصغر محمدی

عضو هیئت علمی دانشگاه اسلامی واحد دهقان

چکیده

حضرت علی رضی الله عنه ضمن دفاع از اصول و موازین دین مبین اسلام از کار و تلاش در مسیر احیا و آبادانی جامعه دریغ نکرد و مزارع و باغ‌های متعددی را احیا و آباد کرد. در مدت خلافت خویش نیز از کار غافل نگشت. در طول حیات خود اثری گران‌بها به نام «نهج‌البلاغه» را به یادگار گذاشت. در این اثر جاویدان بسیاری از آموزه‌های الهی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... آمده است. در این مقاله سعی شده است با بهره‌گیری از نهج‌البلاغه و کتب مرتبط با آن و استفاده از اندیشه‌های برخی از متفکران، کار بررسی شود و با دیدگاه جامعه‌شناختی مقارنه و مقایسه گردد. واژه‌های کلیدی: کار، تقسیم کار، کار آزادانه و اجباری، بیکاری، کارهای شایسته، کارهای ناشایست

۱. مقدمه

هر جامعه‌ای برای تداوم حیات و بقا به کار و فعالیت مردم و مسؤولان احتیاج دارد. نیاز به کار از قرون باستان وجود داشته است و هرچه می‌گذرد، بر اهمیت آن افزوده می‌گردد. کار قسمت اعظم از زندگی انسان را در بر می‌گیرد.

به عقیده‌ی بسیاری از متفکران اجتماعی و اندیشمندان اسلامی انسان موجودی اجتماعی است. انسان‌ها قسمت اعظم نیازها و احتیاجات خود را از طریق کار گروهی و اجتماعی تأمین می‌کنند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اندیشمند و پیشوای برجسته شیعیان و امت اسلامی کار و تلاش را با درایتی واقع‌بینانه بیان نموده است.

کار از مفاهیم مهم علم جامعه‌شناسی است. کار سرمایه و ذخیره‌ی ملی است و می‌تواند به رشد تمدن کمک کند. اگر افراد جامعه‌ای به طور نسبی بتوانند کار و شغل مناسب به دست آورند و شغل آنان متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و علائق آنها باشد، زمینه برای نوآوری، ابتکار، رشد و پیشرفت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به وجود می‌آید. برعکس اگر زمینه‌های اشتغال و کار در جامعه محدود و تقاضا برای کار بسیار باشد، به تدریج بیکاری افزایش می‌یابد. گسترش بیکاری منجر به آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار در جامعه می‌شود.

۲. تعریف کار

از نظر لغوی کار به معنای فعل و عمل و کردار انسان است و در اصطلاح، کار فعالیتی است نسبتاً دائمی که به تولید کالا یا خدمات می‌انجامد و به آن دستمزدی تعلق می‌گیرد.

به عقیده‌ی بعضی از صاحب‌نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است؛ بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه‌ی انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده‌اند. پولکس فن* می‌گوید:

مردم سرچشمه ثروت‌های منقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آنها ناشی می‌شود.^۱

از نظر برخی از اقتصاددانان لیبرال از جمله کلسن کار عبارت است از: استفاده‌ای که انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا

* Pollex fen

ایجاد خدمات می‌کند.^۲

بر اساس این تعریف فعالیت و کار به طور عمده از طریق هدف‌ها و ارزش محصولی که تولید شده معین می‌گردد؛ به عبارت دیگر کار زمینه را برای تولید و افزایش خدمات ایجاد می‌کند.

به طور کلی کار عبارت است از:

مجموعه عملیاتی که انسان با استفاده از مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین‌ها برای استفاده‌ی عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد.^۳

بر اساس تعریف مذکور کار دارای سه خصوصیت است:

نخست، کار مبتنی بر فعالیت فکری و بدنی است؛

دوم، از طریق کار، کالایی تولید می‌شود یا خدمتی عرضه می‌گردد؛

سوم، در قبال انجام کار، دستمزدی پرداخت می‌گردد.

در اندیشه‌ی حضرت علی علیه السلام می‌توان به صورت استنباطی کار را چنین بیان نمود: کار عبارت است از تلاش و کوشش انسان‌ها برای آماده کردن زاد و توشه‌ی آخرت در دوران زندگی در دنیای مادی.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَ الْإِجْتِهَادِ، وَ التَّاهِبِ، وَ الْإِسْتِعْدَادِ، وَ التَّرْوِدِ فِي مَنَزِلِ الزَّادِ؛^۴
 بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن و جمع آوری زاد و توشه‌ی آخرت در دوران زندگی.

از دیدگاه علی علیه السلام در جامعه یکی از حقوق اولیه‌ی مردم این است که همه حق دارند، شاغل باشند. کار کوچکی و بزرگی ندارد؛ مگر با توجه به کاری که انجام می‌دهند و هرکس اعم از مرد و زن پاداش کار خود را خواهد دید.

۳. ارزش و اهمیت کار

یکی از معیارهای مهم برای پیشرفت و سعادت جوامع توجه به شکل، نوع و کیفیت کار و فعالیت است. در برخی از جوامع بین اشکال کار یدی و فکری

تمایزاتی وجود داشته است. کارهای یدی و فیزیکی فاقد ارزش بود و معمولاً این فعالیت‌ها و کارها به اқشار پایین جامعه واگذار می‌شد. برای مثال در شهرهای یونان باستان و در اروپای قرون وسطی و در جوامع کاستی* چنین چیزی وجود داشته است؛ در حالی که در برخی از جوامع و ادیان الهی و آسمانی عموماً به کار و فعالیت و به ویژه کارهای فیزیکی توجه فراوان می‌شده است. پیامبران الهی خود بر کار و فعالیت تاکید داشته و خود به آن می‌پرداختند.

پیامبر اکرم ﷺ قبل از بعثت گوسفندچرانی می‌کرد و با مال و سرمایه‌ی خدیجه ﷺ تجارت می‌نمود. حضرت موسی ﷺ نیز گوسفندچرانی می‌نمود. حضرت ابراهیم ﷺ به کارهای چوپانی و بت‌نایی اشتغال داشت و حضرت ادریس ﷺ خیاط و حضرت نوح ﷺ نجار بوده است.^۵

در زمینه‌ی احترام و بزرگداشت کار و تلاش مفید و سودمند حضرت رسول ﷺ صرفاً به تمجید و تعریف نپرداخته است. بلکه دستی را می‌بوسد که از کار و رم کرده و پینه بسته است و می‌فرماید:

این دستی است که خدا و پیامبرش آن را دوست دارند.^۶

حضرت محمد ﷺ باز می‌فرماید:

خداوند بنده‌ی باایمان پیشه‌ور را دوست دارد و هیچ‌یک از شما غذایی گوارتر از دسترنج خود نخورده است.^۷

علاوه بر پیامبر اسلام ﷺ ائمه‌ی اطهار ﷺ هر کدام به کار و فعالیت می‌پرداختند. پس از رسول اسلام، امیرالمؤمنین ﷺ از هر کس متواضع‌تر بود. در امور خانه به همسر خویش کمک می‌کرد و شخصاً به کار و تلاش در مزرعه می‌پرداخت.

با کلنگ زمین را می‌کند و آن را شیار و آبیاری می‌کرد و بارهای هسته‌ی خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند و اگر یک دانه‌ای از آن بر زمین می‌افتاد، خم می‌شد و آن را بر می‌داشت و

* cast

می فرمود: امروز هسته است و فردا خرما.^۸

حضرت علی علیه السلام در طول عمر خویش علاوه بر رسالت زمامداری و امامت به کارهای زراعت و باغبانی می پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و یتیمان و اقشار پایین جامعه می نمود. در مورد اهمیت و ارزش کار و تلاش می گوید:

کشیدن سنگ های گران از قله های کوه، نزد من از منت دیگران کشیدن محبوب تر است. مردم به من می گویند: کار برای تو عیب است و حال آن که عیب آن است که انسان دست ستوال نزد مردم دراز کند.^۹

در اندیشه و مرام امام علی علیه السلام کار از تقدس و احترام خاص برخوردار است؛ به همین رو مقرر داشت که برتری بعضی از مردم بر برخی دیگر صرفاً بر اساس کار و فعالیت باشد؛ نه حسب و نسب موروثی و امتیازات قبیله ای و عشیره ای؛ چنان که گفت:

«پاداش هرکس در قبال هر کاری است که انجام می دهد.»

و در این باره چنان سخت گرفت که معروف شد، علی یاور هرکسی است که کار می کند و دشمن آن کسی است که به گدایی می پردازد.^{۱۰}

۴. ملاک ها و معیارها در انتخاب شغل و کار

در مورد انتخاب شغل و کار نظریات گوناگونی مطرح شده است. برخی از صاحب نظران معتقدند که افراد در انتخاب شغل آزادند و برخی انتخاب شغل را با ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط می دانند. حال سئوالات ذیل مطرح می شود:

آیا انتخاب شغل با آگاهی همراه است یا نه؟

آیا انتخاب شغل و کار بر اساس جبر است یا اختیار؟

آیا انتخاب شغل تصادفی است یا نه؟

آیا انتخاب شغل آگانه است یا ناآگانه؟

آیا انتخاب شغل عقلانی است یا بر اساس عواطف و احساسات؟

از دیدگاه برخی از محققان انتخاب شغل امری تصادفی است و افراد

به صورت شانس‌ی شغلی را انتخاب می‌کنند؛ در مقابل عده‌ای عامل اراده را در این امر مهم می‌دانند.

بعضی از صاحب‌نظران از جمله آدامس* ۱۹۵۷م اظهار می‌دارد:
 انتخاب شغل افراد بر اساس آگاهی و تأمل صورت می‌گیرد؛ در حالی که به نظر فروید** کار و فعالیت و انتخاب شغل به طور ناآگاهانه انجام می‌شود به عبارت دیگر عامل اجبار و فشار و اضطراب باعث می‌شود تا افراد هر کدام کاری را انتخاب کنند.^{۱۱}

یکی از ملاک‌ها و معیارهای حضرت علی علیه السلام پیرامون کار و انتخاب شغل آگاهی داشتن و شناخت لازم به کار است؛ زیرا کار توأم با آگاهی در مسیر زندگی و ترقی افراد نقش مؤثر دارد؛ چنان که ایشان می‌فرماید:

فَإِنَّ الْعَامِلَ بغير علم كَالسَّائِرِ عَلَى غير طريق فلا يزيد بعده عَن الطَّرِيقِ
 الْوَاضِحِ إِلَّا بَعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ؛^{۱۲}
 عمل کننده بدون آگاهی چون رونده‌ای است که بیراهه می‌رود. پس هر چه شتاب کند، از هدفش دورتر می‌شود و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است.

هم چنین علی علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا ارْتَأَيْتَ فاعْمَلْ؛^{۱۳} هر گاه نظر و تأمل کردی، عمل کن (یعنی در هر کاری نخست باید فکر کرد؛ آنگاه انجام داد).

از نظر علی علیه السلام اخلاص از ملاک‌ها و معیارهای دیگر در کارها و فعالیت‌ها است. علی علیه السلام فرمود:
 خَيْرُ الْعَمَلِ مَا صَحِبَهُ الْإِخْلَاصُ؛^{۱۴} بهترین عمل آن است که با اخلاص همراه باشد.

باز می‌فرماید:

صَلَاحُ الْعَمَلِ بِصَلَاحِ النِّيَّةِ؛^{۱۵} صلاح و درستی عمل به خالص بودن نیت است.

از این سخنان چنین استنباط می‌شود که اخلاص در عمل یکی از شرایط مهم

* Adams

** Freud

در زندگی انسان‌ها به‌ویژه در زمینه‌ی کار و فعالیت است؛ زیرا عمل خالص علاوه بر نفع شخصی و مادی برای افراد، دارای منافع اخروی است؛ هم‌چنین در اصلاح و گرایش مردم و جامعه به سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی نقش ارزنده دارد.

۵. کار از دیدگاه‌های فیزیولوژی و روان‌شناسی

از این منظر وضعیت فیزیکی، اندام‌ها، ماهیچه‌ها، دستگاه‌های تنفسی، عصبی و جز اینها در ارتباط با کار و تلاش مورد توجه قرار می‌گیرد. موضوعاتی که در این دیدگاه مطرح است، عبارتند از:

۱- تاثیر محیط کار بر قوای انسانی؛

۲- توانایی ارگانسیم انسان بر محیط کار؛

۳- توانایی‌های بدنی انسان.

در این زمینه که چه عاملی باعث خستگی در محیط کار می‌شود و با چه راه‌کارهایی می‌توان خستگی را در محیط کار کاهش داد، علی رضی الله عنه می‌فرماید:

قلیل مدوم علیه خیر من کثیر مملول منه؛^{۱۶} کار اندک که به آن ادامه داده شود، بهتر از کار بسیار است که خستگی آورد (از کار زیاد و خستگی آور پرهیز کنید که نشاط و نوآوری را سلب می‌کند).

باز می‌فرماید:

دل‌ها همانند بدن‌ها، خسته و افسرده می‌شوند؛ پس برای آنها لطایف حکمت‌آمیز و جالب برگزینید.^{۱۷}

از این مطلب استنباط می‌شود که با ایجاد تنوع و نوآوری در محیط کار می‌توان از ملامت و خستگی جلوگیری کرد و زمینه‌های رضایت را فراهم نمود.

۶. کار آزادانه و غیر آزادانه (اجباری)

بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن است که در مواردی کار موجب استثمار و

از خود بیگانگی * انسان می‌گردد.

اگر انتخاب کار، ناصحیح و با فرد ناسازگار باشد، آثار مضرى خواهد داشت. چنانچه کار برای فردی که آن را انجام می‌دهد، امری خارجی تلقی شود، در معنای خاص کلمه، از خود بیگانه کننده است.

برخی از کارهای از خود بیگانه کننده عبارتند از:

۱- کارها و فعالیت‌هایی که به نوعی سلب‌کننده‌ی شخصیت افراد باشد؛

۲- کاری که فرد علاقه‌مند به آن نباشد؛

۳- کاری که فرد از روی اختیار و آزادی انجام ندهد؛

۴- کارهایی که فرد در پایان روز به مانند برده از آن فرار می‌کند و برای وی

مفید نباشد؛

۵- کارهایی که خم و راست شدنی بیش نیستند.

از نظر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه دو عامل آبادی و عمران زمین و پاداش عادلانه برای کار می‌توان جامعه‌ای سالم بنا نهاد. ایشان از کار فاقد اختیار و رضایت نهی می‌کرد و به مسئولان و زمامداران توصیه می‌کرد، در امور و فعالیت‌ها مردم را مجبور نسازند.

یکبار مردم یکی از ایالات به نزد وی آمده، گفتند: در سرزمین آنها نهری بوده که گذشت روزگار مجرای آن را خراب کرده و اگر از نو حفر و ترمیم گردد، برای آنها درآمد و سود زیادی خواهد داشت. آنان از علی علیه السلام خواستند که به فرماندار خود در آن سرزمین دستور دهد که مردم آنجا را برای کمک در ترمیم و نوسازی نهر تخریب شده مجبور سازد. ایشان حفر مجدد نهر را پذیرفتند؛ ولی با مجبور ساختن مردم برای چنین امری مخالفت کردند.

امام علی علیه السلام به عامل خود به نام قرظة بن کعب چنین نوشت:

... از من خواستند که به تو بنویسم که آنان را به کار وادار کنی و مردم را برای حفر نهر گردآوری.... به نظر من کسی را نباید به کاری که نمی‌خواهد

مجبور ساخت. آنان را به نزد خود بخوان، اگر نهر آن چنان باشد که تعریف کرده‌اند، هرکسی که بخواهد کار کند، او را به کار بخوان و نهر باید از آن کسانی باشد که کار کرده‌اند؛ نه کسانی که در آن شرکت نجسته‌اند...^{۱۸}

مجبور ساختن افراد برای انجام کارها امری ناشایست است. آن کاری صحیح است که افراد با میل و علاقه انجام دهند.

چنان که آمد، علی علیه السلام کار اندکی را که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از کار فراوانی شمرده‌است که رنج آور باشد.

کار باید بر اساس آزادی و میل باشد، نه اجباری و حتی نباید در کاری سودمند، مردم را اجبار کرد. فعالیت‌ها و کارهای اجباری پیامدهای ذیل را به همراه دارد:

نخست، کارهای غیر آزادانه از شکوفایی استعدادها و توانایی‌های انسان جلوگیری می‌کند و زمینه‌ی رشد، نوآوری، ابداع و ابتکار افراد را تقلیل می‌دهد.

دوم، ارزش انسانی افراد را کاهش می‌دهد؛

سوم، کارهای اجباری نوعی توهین به آزادی انسانی است؛

چهارم، فعالیت‌های تحمیلی توهین و اهانت به خود کار و عمل می‌باشد.

امام علی علیه السلام آزادی و اجبار در کار را از دو منظر مورد توجه قرار داده است:

اولاً، کار اجباری را حتی در امور عام المنفعه و سودمند مقبول ندانسته است؛

زیرا فعالیت‌های اجباری به فقدان شکوفایی، نزول ارزش انسانیت و اهانت به آزادی و کار منجر می‌گردد؛

ثانیاً، منافع و درآمد و سودی را که به دست می‌آید، سهم آنانی می‌داند که به

کار و فعالیت پرداخته‌اند.

از نگاه علی علیه السلام افرادی که در عمل و کار کوتاهی و سستی کنند، پیامدهای

سوئی برایشان است. آن حضرت فرمود:

من قصر فی العمل ابتلی بالهم؛^{۱۹} کسی که در عمل کوتاهی کند، به غم و

اندوه دچار شود.

کار آزادانه شامل فعالیت‌هایی است که:
 اولاً بر استعدادها و توانایی‌های انسان مبتنی باشد؛
 ثانیاً فرد به آن علاقه‌مند باشد؛
 ثالثاً به شخصیت انسان خدشه وارد نکند؛
 رابعاً به شکوفایی و ابتکار فرد منجر شود.

۷. کارهای شایسته

در قرآن مجید آیات متعددی راجع به کار و فعالیت وجود دارد. یکی از اهداف مهم اسلام در جامعه انجام کار و اعمال شایسته است.
 انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلاً؛^{۲۰} کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کرده‌اند، در بهشت فردوس منزل خواهند یافت.

انّ هذا القرآن یهدی للتی هی اقنوم و یشیر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیراً؛^{۲۱} این قرآن خلق را به راست‌ترین و استوارترین طریق هدایت می‌کند و مومنان را که کارهای شایسته می‌کنند، به اجر و ثواب عظیم بشارت می‌دهد.

در دین مبین اسلام کار و شغل به انواع ذیل تقسیم‌بندی شده است:

۱- کارهای واجب: شامل کار کردن به منظور تأمین احتیاجات شخصی و خانواده و کارهایی که در صورت قصور و انجام ندادن، وقفه در فرایند زندگی اجتماعی و جامعه ایجاد می‌کند؛

۲- کارهای حرام: کارهایی که شارع مقدس آن را برای جامعه مضر و زیان‌آور می‌داند؛ مانند خمرسازی؛

۳- کارهای مستحب: شامل فعالیت‌هایی که به خیر و عمران جامعه منجر می‌شود؛ مانند کمک به محرومان؛

۴- کارهای مکروه: فعالیت‌هایی که در اسلام نهی نشده و انجام دهنده آن مورد عقوبت قرار نمی‌گیرد؛ اما بهتر است که انجام نگیرد؛ مانند قصابی؛

۵- کارهای مباح: کارهایی که انجام دادن و ندادن آن تفاوتی نمی‌کند.

در اندیشه مولای متقیان کارها و فعالیت‌ها به دو نوع عمده تقسیم می‌شود:

۱- کارهای شایسته؛ ۲- کارهای ناشایست.

کارهای شایسته شامل فعالیت‌هایی است که دارای خصوصیات ذیل باشد: نخست، این که افراد با انجام آن به حق و خداوند نزدیک شوند؛ به عبارت دیگر کار زمینه‌ای برای ایجاد ارتباط بین مخلوق و خالق گردد. در این مورد امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أفضل العمل ما أريد به وجه الله؛^{۲۲} برترین عمل آن است که به قصد نزدیکی به خدا انجام شود.

دوم، این که کارها منطبق و مبتنی بر موازین الهی و اسلامی باشد و شارع مقدس آن را برای سلامتی جامعه زیان‌آور ندانسته باشد. در این مورد علی علیه السلام می‌گوید:

أحسن الأفعال ما وافق الحق؛^{۲۳} نیکوترین کارها آن است که موافق با حق باشد.

سوم، کاری در جامعه شایسته است که انجام دادن آن آسیب و انحراف فردی و اجتماعی به همراه نداشته باشد؛ به عبارت دیگر نه تنها به فساد و انحراف در جامعه منجر نشود؛ بلکه انسان را از خطا و اشتباه مصون نگه دارد و زمینه‌ای برای انجام صالحات و نیکی‌ها در فرد و جامعه گردد.

علی علیه السلام فرمود:

أحسن الأفعال الكف عن القبيح؛^{۲۴} نیکوترین کار باز ایستادن از کار زشت است.

چهارم، از خصوصیات کارهای شایسته آن است که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های مذکور نیت و قصد انجام‌دهنده، خیر و برای صلاح و آبادانی جامعه باشد؛ زیرا هدف‌دار (نیت‌دار) بودن کار و تلاش باعث می‌شود که مسیر و فرایند کار مشخص باشد و فرد و به تبع آن جامعه دچار سرگردانی و انحراف نگردد.

علی علیه السلام فرمود:

لا یكمل صالح العمل الا بصالح النية؛^{۲۵} شایستگی عمل کامل نمی‌گردد، مگر به شایستگی نیت.

پنجم، از مهم‌ترین ویژگی‌های کارهای شایسته آن است که مناسب و حلال باشد. دین اسلام چنین کارهایی را برای فرد و جامعه مفید دانسته و برخوردار از آثار دنیوی و اخروی مطلوبی شمرده است. علی علیه السلام فرمود:

العرفة مع العفة خیر من الغنى مع الفجور؛^{۲۶} شغل همراه با پاکدامنی از ثروت فراوانی که با گناهان به دست آید، بهتر است.

از این حدیث می‌توان استنباط کرد که کار و فعالیت نباید به گناه و ستم و ضایع شدن حقی از کسی منجر گردد.

۸. کارهای ناشایست

کارهای ناشایست و ناپسند مبتنی بر ویژگی‌های ذیل است:

نخست، از ویژگی‌های کارهای ناپسند و ناشایست آن است که انجام آن برای انسان، شرمندگی به همراه داشته باشد. علی علیه السلام فرمود:

احذر کل عملٍ یعمل به فی السرّ و یستحی منه فی العلانية؛^{۲۷} پرهیز از هر کاری که در نهان انجام گیرد و در آشکار شرمندگی آورد.

از این حدیث این نکته استنباط می‌گردد که آدمی باید از انجام دادن کاری که از علنی شدن آن شرم دارد، پرهیز کند.

کاری ناشایست است که وقتی از عامل آن سؤال شود، نه تنها فخر و مباهات نکند، بلکه احساس شرم و انکار نماید. امام علی علیه السلام فرمود:

احذر کل عمل اذا سئل عنه صاحبه، استحیی منه و انکره؛^{۲۸} از هر عملی که وقتی از صاحبش پرسیده شود، از آن شرم نموده، انکارش کند، دوری کنید.

دوم، خصوصیت دیگر کارهای ناشایست این است که برای فرد و جامعه مضر و زیان آور باشد و پیامدهای ناگواری به بار آورد. این گونه کارها اگر گسترش یابد به تدریج کل نظام اجتماعی را از حیات متعادل خود خارج می‌کند.

۹. تقسیم کار

از عهد باستان متفکران به تقسیم کار توجه کرده‌اند. یکی از اندیشمندان اجتماعی که در مورد تقسیم کار اظهار نظر کرده است، افلاطون است. بر اساس عقیده‌ی وی وجود جامعه‌ی طبقاتی الزامی است و علت نابرابری‌های بین افراد تفاوت در استعدادهای آنان است.

ارسطو شاگرد افلاطون اظهار داشت، است که تقسیم کار برای حیات جامعه لازم است. وی افراد جوامع را به سه طبقه تقسیم می‌کند که هر یک کار و فعالیت خاصی را انجام می‌دهند.

از نظر فارابی انسان موجودی اجتماعی است. انسان‌ها بسیاری از نیازهای خود را به تنهایی و بدون تقسیم کار نمی‌توانند، برآورده سازند. تقسیم کار علت عمده‌ی پیدایش اجتماعات و جوامع است و در پرتو تقسیم کار، جوامع پیشرفت می‌کنند.

از دیدگاه امام علی علیه السلام انسان موجودی اجتماعی است و برای حیات و استمرار و ثبات جامعه لازم است که هر فرد متناسب با استعداد و توانایی و مهارت خویش به کاری مشغول باشد؛ زیرا بسیاری از احتیاجات و نیازهای مردم از طریق تقسیم کار و کار جمعی و گروهی بهتر و سهل‌تر برطرف می‌گردد.

امام علی علیه السلام فرمود:

یرجع اصحاب المهن الی مهنهم، فینتفع الناس بهم کرجوع البناء الی بنائه، و النماج الی منسجه، و الغنّاز الی مَحْبِزَه؛^{۲۹} صاحبان کسب و کار و پیشه‌وران به کارهای خود باز می‌گردند و مردم از تلاش آنان سود می‌برند؛ بناً به ساختن ساختمان و بافنده به بافندگی و نانوا به نانواپی روی می‌آورد.

ابن خلدون همانند فارابی تقسیم کار را علت عمده‌ی پیدایش جوامع دانسته

است. وی می‌گوید:

تقسیم کار این آثار را به بار می‌آورد:

۱- باعث افزایش مهارت افراد می‌گردد؛

۲- از اتلاف وقت و منابع می‌کاهد؛

۳- سبب ابداع، نوآوری و اختراع می شود.

از منظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام تقسیم کار آثار مفید و مناسبی در جامعه ایجاد می کند که به شرح ذیل است:

۱- همان طوری که اشاره شد، تقسیم کار سبب می شود که بسیاری از احتیاجات و ضروریات زندگی افراد تأمین گردد.^{۳۰}

۲- با تخصصی شدن کارها و تقسیم کار زمینه برای موفقیت و شکوفایی افراد و جامعه فراهم می گردد؛ در صورتی که اگر افراد به کارهای گوناگون بپردازند، ممکن است نه تنها موفقیتی کسب نکنند؛ بلکه ضمن اتلاف منابع و امکانات و به هدر دادن وقت از کارایی لازم برخوردار نگردند.

امام علی علیه السلام فرمود:

من أَوْماً أَلِيَّ مَتَفَاوَتِ خَدَلْتَهُ الْجَيْلُ؛^{۳۱} کسی که به کارهای گوناگون بپردازد، خوار شده و پیروز نمی شود.

۳- یکی از وجوه تقسیم کار در جوامع تفکیک کار بین زنان و مردان است که ثرون والد* آن را «تقسیم کار اولیه» نامیده است.

حضرت علی علیه السلام در زمینه ی تقسیم کار به تفکیک کار بین زن و مرد توجه داشته، امور خانه را به عهده ی زن و کارهای خارج از منزل را به عهده ی مرد می داند. هم چنین معتقد است که باید کارهایی به زنان واگذار شود که با روحیه و جسم آنها انطباق و سازگاری داشته باشد.

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِبْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛^{۳۲} کاری را که برتر از توانایی زن است، به او واگذار، که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش.

۴- یکی از آثار تقسیم کار جلوگیری از اتلاف وقت و منابع و انجام امور براساس مدیریت و برنامه ریزی است. تقسیم کار به سرعت در فعالیت ها و

* Thurn wald

افزایش کارایی می انجامد.

در این مورد علی علیه السلام طی نامه‌ای به حضرت امام حسن علیه السلام می فرماید:
اجعل لكل انسان من خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ، فَإِنَّهُ أَحْرَى أَلَا يَتَوَالَكَوا فِي
خَدَمَتِكَ؛^{۳۳} کار هر کدام از خدمت کارانت را معین کن که او را در برابر آن
کار مسئول بدانی. تقسیم درست کار سبب می شود کارها را به یکدیگر
وانگذارند و در خدمت سستی نکنند.

از این مطلب استنباط می شود:

اولاً تقسیم کار سبب مشخص شدن مسئولیت‌های افراد می گردد و هر فرد به
انجام کار بر اساس مسؤولیت و سمت خویش موظف است؛
ثانیاً تقسیم کار صحیح به بهبود امور و فعالیت‌ها و افزایش تولید می انجامد؛
ثالثاً تقسیم کار از سستی و تنبلی افراد در کارها جلوگیری می کند و وجدان
کاری را افزایش می دهد.

۵- مطالب مذکور توجه امام علی علیه السلام را به تقسیم کار در معنای کلی و در سطح
جامعه نشان می دهد. آن حضرت به تقسیم کار از نظر فردی و تأثیر آن بر زندگی
خانوادگی و شخصی افراد نیز سفارش کرده است. مسلمان واقعی لازم است که
ساعات شبانه روز زندگی خویش را به سه قسم طبقه بندی کند: یک قسم به
عبادت و امور معنوی، قسمتی برای کار و فعالیت و کسب درآمد و قسمتی دیگر
را برای استراحت و امور منزل.

امام علی علیه السلام فرمود:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يَوْمَ مَعَاشِهِ، وَ سَاعَةٌ
يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ
شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٌ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِى غَيْرِ
مَحْرَمٍ؛^{۳۴}

مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی را برای
نیایش و عبادت پروردگار و زمانی را برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی
را برای خود و لذت‌هایی که حلال و زیباست. خردمند را نباید جز آن که
در پی سه چیز برود: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه

آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.

مولای متقیان سفارش می‌کردند که کار و تلاش بر طبق برنامه‌ریزی و روزانه

صورت گیرد:

أَمْضِ لِكِ يَوْمِ عَمَلِهِ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ؛^{۳۵} کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روزی، کار مخصوص به خود دارد.

۱۰. رابطه‌ی طبقات و اقشار با تقسیم‌کار

امام علی علیه السلام در عهدنامه‌ی معروف خود به مالک اشتر به وجود طبقات و اقشار در جوامع انسانی اشاره می‌کند. در این مورد می‌فرماید:

امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود. با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضا و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومت‌اند، که قراردادهای معاملات را استوار می‌کنند و آنچه به سود مسلمانان است، فراهم می‌آورند و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند، دوام بیاورند؛ زیرا آنان وسایل زندگی را فراهم می‌آورند و در بازارها عرضه می‌کنند و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه‌ی پایین از نیازمندان و مستمندان‌اند که باید به آنها بخشش و یاری کرد.^{۳۶}

وجود نیازها و احتیاجات مختلف در طول زندگی افراد در جامعه ایجاب می‌کند که طبقات و اقشار متعددی وجود داشته باشد تا بر اساس همکاری و تعاون نیازها برطرف شود. این تعاون و همکاری به گسترش «تقسیم‌کار» می‌انجامد. هر یک از انسان‌ها بر اساس استعدادها، توانایی‌ها، خصوصیات جسمانی و روحی و علائق به کاری مشغول می‌گردند. طبقات و اقشار در تعارض و تضاد با یکدیگر نیستند؛ بلکه به تداوم و بقای حیات اجتماعی و افزایش

انسجام اجتماعی کمک می‌کنند.

نیازهای مختلف انسان از طرفی و عجز و ناتوانی آدمی در برآوردن همه‌ی آنها از طرف دیگر، همکاری مشترک انسان‌ها را موجب می‌شود و عوامل مختلف مانند استعدادهای مختلف انسان‌ها تقسیم کار را ایجاب می‌کند و تقسیم کار به تشکیل طبقات اجتماعی می‌انجامد و از رهگذر آن، نیازهای انسان بر طرف و جامعه‌های انسانی از نابودی حفظ می‌گردد.^{۲۷}

علی علیه السلام معتقد است که علاوه بر تقسیم کار در جامعه، انجام کارها و فعالیت‌ها و تولیدات زمانی می‌تواند به طور مطلوب انجام شود که امنیت نسبی در جامعه به وجود آید و خلاف‌کاران و اوباش در جامعه توانایی انجام اعمال خلاف را نداشته باشند.

۱۱. بیکاری و کم‌کاری

بیکاری در طول ادوار تاریخ بشر به اشکال گوناگون وجود داشته است. در قرن معاصر نیز یکی از پدیده‌ها و مسائل بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه بیکاری و کم‌کاری است.

در دوره‌ی زندگی حضرت علی علیه السلام و صدر اسلام گرچه پدیده‌ی مذکور متداول و حاد نبوده، ولی ایشان به این امر توجه کرده است. آن حضرت فرمود: **آفة العمل البطالة؛^{۲۸} آفت عمل بیکاری است (یعنی هرکه عادت به آن کرد هرگز کار نمی‌کند یا اگر کار کند، ناقص انجام می‌دهد).**

باز فرمود:

مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيَعَ الْحَقُوقُ؛^{۲۹} کسی که تنبلی و سستی پیشه کند، حقوق خویش و دیگران را ضایع می‌کند.

بیکاری تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه افزایش می‌یابد. این عوامل عبارتند از: فقر، کمبود سرمایه و اندک بودن سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، فقدان آموزش، نبودن فرهنگ کار، فقدان تقاضا برای تولید کالاها، سستی و تنبلی افراد، فقدان مشارکت اجتماعی و...

گسترش بیکاری و کم کاری به تدریج آسیب ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی دیگری را به همراه دارد که برخی از آنها عبارتند از: افزایش فقر و تهیدستی، گسترش انحرافات نظیر اعتیاد، فساد، تبعیض، تنگدگی و جز اینها. علی علیه السلام از کسالت و تنبلی دوری می جست و مرد عمل و کار بود و مردم را به کار و کوشش دعوت می کرد و آنها را از بی حوصلگی و تن آسایی که موجب فقر و تهیدستی است، بر حذر می داشت.^{۴۰}

آن حضرت می فرمود:

هرگاه کسالت و ناتوانی با هم همراه شدند، از آنها فقر و تهیدستی متولد می شود.^{۴۱}

یکی از سفارش های مولای متقیان به مردم کار کردن در زمان جوانی و میان سالی و قبل از پیری و کهنلت است؛ زیرا عمر انسان کوتاه و دوران جوانی و تحرک و فعالیت محدود است؛ لذا بایستی در دوران جوانی و میان سالی به کار و کوشش صحیح و شایسته پرداخت تا در دنیای فانی توشه ای برای آخرت فراهم آید.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این مورد می فرماید:

پیش از کشیدن بار سنگین حیات در سالیان پایانی زندگی و ورود به دار مشاهده ی نتایج عمر و قبل از دست دادن همه ی مشاعر و نیروهای خود، کار و تکاپو کنید.^{۴۲}

ای که دستت می رسد کاری بکن	پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
سال دیگر را چه می داند حیات	با کجا رفت آن که با ما بود یار
دیر و زود این شکل و شخص نازنین	خاک خواهد گشتن و خاکش غبار ^{۴۳}

۱۲. نظارت در کار

یکی از امور مهم، نظارت و کنترل بر کارها و فعالیت ها است. اگر نظارت بر کار به نحو مطلوب صورت گیرد، کاهش آسیب ها و افزایش کارایی های کارکنان، مدیران و زمامداران و نهایتاً رشد و رونق اقتصادی و اجتماعی را به دنبال

می آورد.

نظارت در کار اقتدار مختلف، مهم تلقی می شود؛ اما به نظر می رسد که نظارت بر فعالیت ها و کارهای دو قشر بازرگانان و مدیران (زمامداران) ضروری تر است.

چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ای گروه بازرگانان از خدا بترسید، به خریداران نزدیک شوید، با بردباری و حوصله خود را از سوگند خوردن دور کنید و از دروغ پرهیزید و از ستم بر کنار باشید و ستمدیدگان را یاری کنید و پیمانان و ترازو را به صلاح آورید، در کار مردم تقلب نکنید و در روی زمین فساد برپا ننمایید و تبه کارانه زندگی نکنید.^{۴۴}

در مورد مدیران امام علی علیه السلام می فرماید:

به سبب مالیات، لباس تابستانی و زمستانی مردم و رزقی را که می خورند نفروشید و چهارپایی را که با آن به کار مشغول اند، از دستشان نگیرید و بر احدی به جهت یک درهم تازیانه مزیند و روی دوپایش نگه ندارید. هیچ چیز از اثاث زندگی آنان را به فروش نرسانید؛ زیرا برنامه های ما آن است که با گذشت و اغماض از مردم مالیات بگیریم و توجه تو به آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری مالیات باشد.^{۴۵}

علی علیه السلام هر روز خود به بازار کوفه می رفت و از وضع خریداران و فروشندگان تحقیق می کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱۳. نتیجه گیری

بر اساس مطالب و مباحث پیش گفته در مورد کار و تلاش، نتایج به دست آمده، به شرح ذیل است:

۱- در اندیشه و سیره ی حضرت علی علیه السلام کار و تلاش از مباحث مهم محسوب می شود. یکی از حقوق اولیه ی مردم آن است که همه حق دارند، شاغل باشند و در برابر کار و کوشش خود مزد و پاداش مناسب دریافت کنند؛

۲- حضرت علی علیه السلام در طول عمر خویش علاوه بر حمایت از اسلام و امامت

به کارهای زراعت و باغبانی می‌پرداخت و درآمد آن را صرف امور مسلمانان به‌ویژه محرومان و یتیمان می‌کرد؛

۳- یکی از وجوه تمایز و برتری برخی انسان‌ها بر بعضی دیگر، کار و تلاش است؛ زیرا کارها آثار دنیوی و اخروی به همراه دارد؛

۴- ملاک‌ها و معیارهای مهم در انتخاب شغل و کار عبارتند از: کار توأم با آگاهی (آگاهی و شناخت نسبت به کار)، اخلاص در کارها (هدف‌دار بودن)؛

۵- با ایجاد تنوع و نوآوری در محیط کار می‌توان از ملامت و خستگی جلوگیری کرد؛

۶- کار آزادانه عبارت است از کاری که بر علاقه، استعداد مبتنی باشد و به رشد شخصیت فرد منجر شود؛

۷- ویژگی‌های کار غیرآزادانه (اجباری) و موافق علاقه و رضایت انسان‌ها نبودن عبارت است از: جلوگیری از رشد و شکوفایی استعدادهای افراد، توهین به آزادی انسان، ممانعت از رشد و نوآوری و ابداع؛

۸- کارهای شایسته دارای این ویژگی‌هاست: نزدیک‌سازی انسان به سوی حق و خداوند، منطبق بودن با موازین الهی و اسلامی، مضر نبودن برای جامعه، منجر نشدن کار به آسیب و انحراف فردی و اجتماعی، انجام دادن کار با هدف صلاح و آبادانی جامعه، حلال بودن کار از نظر شرع؛

۹- کارهای ناشایست فعالیت‌هایی است که انجام دادن آن برای عامل، شرمندگی به همراه داشته باشد؛ هم‌چنین برای جامعه آثار و پیامدهای ناگوار ایجاد نماید؛

۱۰- تقسیم کار نقش مؤثر در استمرار، بقا و تعادل جامعه دارد؛

۱۱- آثار تقسیم کار عبارت است از: تأمین احتیاجات و نیازهای زندگی فردی و اجتماعی، هموار شدن زمینه‌های موفقیت و شکوفایی فردی و شخصی و اجتماعی، همراهی با طبیعت متفاوت زنان و مردان، کاستن از اتلاف زمان و منابع؛

- ۱۲- تقسیم کار در رشد استعدادها و توانایی‌ها و رفع نیازهای فردی و اجتماعی نقش مؤثر دارد؛
- ۱۳- تداوم بیکاری و کم‌کاری به سستی و تنبلی افراد جامعه می‌انجامد و پیامدهای سوء آن افزایش فقر و تهیدستی است؛
- ۱۴- نظارت در کارها و فعالیت‌ها در جامعه مهم تلقی می‌شود و لازم است نظارت و کنترل در کارها و مشاغل بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. میک، رونالد، پژوهشی در نظریه‌ی ارزش - کار، ترجمه‌ی م. سوداگر، تهران، پازند، ۱۳۵۸، ص ۲۲
۲. توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۹
۳. همان، ص ۱۰
۴. نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، انتشارات مشرقین، ج ۵، ۱۳۷۹، صص ۴۴۷ و ۴۴۴ خطبه‌ی ۹/۲۳۰
۵. اقتباس از کتاب کار و حقوق کارگر، تالیف شریف قریشی، ترجمه‌ی ادیب لاری و محصل یزدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، صص ۵۰۶
۶. جرداق، جر، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ج ۱، ترجمه‌ی سیده‌ادی خسرو شاهی، قم، نشر خرم، ج ۳، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲
۷. همان، ص ۱۷۲
۸. برقمی قمی، سیدعلی اکبر، جلوه‌ی حق در سیرت مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام، تهران، انتشارات حافظ، (بی‌تا)، ص ۵۵
۹. قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، ۱۳۶۶، ص ۶
۱۰. جرداق، پیشین، ص ۲۳۵
۱۱. شفیع‌آبادی، عبدالله، راهنمایی و مشاوره‌ی شغلی و حرفه‌ای، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۲، ص ۹۳
۱۲. نهج البلاغه، پیشین، صص ۲۸۵-۲۸۴، خطبه ۶/۱۵۴
۱۳. غرر الحکم، ج ۲، سیدحسین شیخ‌الاسلامی، قم، انصاریان، (بی‌تا)، ص ۱۰۴۳
۱۴. همان، ج ۲، ص ۱۰۴۶

۱۵. همان، ص ۱۰۴۸
۱۶. نهج البلاغه، پیشین، صص ۷۳۷ و ۷۳۶، حکمت ۴۳۶، حکمت ۴۴۴
۱۷. سازمان امور اداری و استخدامی کشور، پیام‌های اداری از نهج البلاغه، تهران، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۵۵
۱۸. جرداق، پیشین، ج ۱، صص ۲۳۶ و ۲۳۵
۱۹. نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۱۲۲ و پیام‌های اداری از نهج البلاغه، پیشین، ص ۵۳
۲۰. سوره کهف، آیه ۱۰۷
۲۱. سوره بنی اسرائیل (اسراء) آیه ۹
۲۲. غررالحکم، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۳۸
۲۳. همان، ص ۱۰۳۹
۲۴. همان، ص ۱۰۳۹
۲۵. همان، ص ۱۰۵۵
۲۶. نهج البلاغه، پیشین، صص ۵۳۳ و ۵۳۲، نامه ۹۱/۳۱
۲۷. همان، نهج البلاغه، نامه ۶۹ و پیام‌های اداری از نهج البلاغه، ص ۳۰
۲۸. غررالحکم، پیشین، ص ۱۰۳۶
۲۹. نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۲/۱۹۹ و ۳
۳۰. نهج البلاغه، حکمت ۲/۱۹۹ و ۳
۳۱. نهج البلاغه، پیشین، صص ۷۲۷ و ۷۲۶، حکمت ۴۰۳
۳۲. همان، صص ۵۳۷-۵۳۶، نامه ۱۱۸/۳۱
۳۳. همان، صص ۵۳۷-۵۳۶، نامه ۱۱۹/۳۱
۳۴. همان، صص ۷۲۵-۷۲۴، حکمت ۳۹۰
۳۵. همان، صص ۵۸۵-۵۸۴، نامه ۱۱۵/۵۲
۳۶. همان، ص ۵۷۳، نامه ۸/۵۳
۳۷. برزگر کلیشمی، ولی الله، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۲
۳۸. غررالحکم، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۴۳
۳۹. موسوی خراسانی، سیدحسین، «جوان»، قم، دار اهل البیت، ۱۳۷۸، ص ۱۱، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۶۰
۴۰. راشد، لطف، فرزند کعبه، تهران، نشر سبحان، ج ۱، ۱۳۷۶، صص ۱۶۶-۱۶۵
۴۱. همان، ص ۱۶۶ به نقل از وسایل الشیعه، ج قدیم، ج ۲، ص ۲۴
۴۲. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۳، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۶
۴۳. سعدی
۴۴. جرداق، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۹
۴۵. همان، ص ۳۴۰